



نگاهی به حضور قمار باز هادر توس

قمار زندگی، از خانه و ماشین تا ناموس

نونا حاتمی - وسط زمین های رهائیده توس، تعدادی خودرو به چشم می خورد. دورش هم مردهایی را می شود دید که به کاری مشغولند. برای دیدن قمار بازها کنجاوتر از آنم که نگران چیزی باشم اما با ورود به کوچه هایی که دور تادورش باغ قرار دارد، دلم می لرزد. کنار دیواری که پشت آن قمار بازها مشغول بازی هستند، دو نفر ایستاده اند. با دیدن خودروی ما با موتور، دنبلمان راه می افتند. فعال فرهنگی محله توس اصرار می کند که حرکت کنیم و برای گرفتن عکس توقف نکنیم. او تاکید می کند که این افراد با کسی شوخی ندارند و به ما آسیب می زنند. وی مسیر دیگری را برای عکاسی از قمار بازها پیشنهاد می دهد؛ مسیری طولانی تر اما مطمئن. در گزارش زیر مشاهدات و گفت و گوی ما را با فعالان فرهنگی محله توس که همگی می خواهند نامی از آن ها برده نشود، در این زمینه می خوانید.

«بارها شاهد دعوای بزرگ و قه کشی های مختلف بوده ایم، حتی یک بار خودمان برای ساخت مستند، بین قمار بازها رفتیم. یکی از آن ها آن قدر عصبانی شد که فوری از زیر کتتش چاقوی بزرگی را درآورد و آن را درست روی سینه ام گذاشت که یکی از دوستانش دستش را گرفت. همان فرد مانع کشته شدن من شد، والا تا حالا هفت کفن هم پوسانده بودم.»

فرهنگ سازی و آموزش

این فعالان فرهنگی همگی بر نظارت شدید پلیس تاکید دارند و می گویند: کنار اینکه باید پلیس بیش از پیش بر توس نظارت داشته باشد، باید دوره های مختلف مشاوره هم برای نوجوانان برگزار شود. نوجوانان ما در محیطی زندگی می کنند که با قمار بازی به خوبی آشنا هستند. اگر آموزش های لازم و جلسات مشاوره را بگذارند، می توانیم امیدوار باشیم که در آینده با مسئله ای مواجه نشوند و لاقلا از آسیب های قمار باخبر شوند. اگر این جلسات در مساجد و مدارس برگزار شود، می توان نوجوانان زیادی را با این معضل آشنا کرد؛ چون بسیاری از نوجوانان برای سرگرمی، قمار می کنند و بعد همین می شود که می بینید.



موتورسوارها وقتی می بینند ما مسیرمان را به سمت خیابانی دیگر که چه عرض کنم، بیابانی دیگر کج کردیم، برمی گردند. آن روز و خاطره دیدن قمار بازها گذشت اما هنوز ترس از حضور آن موتورسوارها را به خاطر دارم. امنیت نعمتی است که شایسته هر کدام از ماست. امید است با ورود قاطعانه پلیس به این ماجرا، سایه قمار از سر زنان و دختران محلات توس برای همیشه برداشته شود.

چیز تا بزرگ ترین ها. از گوشی و موتور و ماشین گرفته تازن و دخترشان. اینکه در این قمارها ناموس معامله شود، تصورش راحت نیست اما او به خاطره ای اشاره می کند که خودش شاهدش بوده است: «یک بار نیمه شب بود. مادر مسجد جمع بودیم و کارهای خرده وریزه مسجد را انجام می دادیم. ناگهان دیدیم خانمی با لباس خانه، خودش را به داخل مسجد انداخت. برایش چادر آوردیم. بدنش می لرزید. چادر را که سرش کرد، گفت شب شام درست کرده بودم و منتظر همسرم بودم. آخر شب دومرد همراهش آمدند. همسرم گفت تو را به این دومرد باخته ام! او آن قدر ترسیده بود که به زور حرف می زد. برایش تاکسی گرفتیم و او را به خانه پدرش فرستادیم.»

انواع قمار بازی

به گفته این فعال فرهنگی، در هر محله نوع قماری که افراد بازی می کنند، فرق می کند. در برخی محله ها، ورق بازی می کنند. در برخی محلات هم تیل بازی حرف اول را می زند. او معتقد است قمار بازها از اول قمار باز نبوده اند. آن ها از چیزهای کوچک شروع کرده اند؛ مثلاً در نوجوانی سر اینکه رنگ آخر مدرسه را ببیچانند و فرار کنند، شرط می بستند. بعدها سر اینکه به فلان دختر محله شماره بدهند. بعد سوزده های شرط بندی، بزرگ و بزرگ تر می شود و ناگهان متوجه می شوند که قمار باز قهاری شده اند و زندگی برایشان نمانده است.

دعوای خونین

قوانین نانوشته در قمار آن قدر سخت و اجرایی است که کسی نمی تواند بیازد و به عهدش عمل نکند؛ چون می دانند که در صورت تخلف از شرط، خونش پای خودش است:

حضور قمار بازها در کنار بچه ها

به داخل اتاقی مخروبه که آثار مصرف مواد روی دیوارهایش خودنمایی می کند، می رویم. قمار بازها دور خودشان را با خودرو محصور کرده اند. از دور که نگاهشان می کنیم، انگار چند مرد در حال تیل بازی هستند. کنار همان زمین، زمین رهائیده دیگری است که نوجوان ها دارند در آن بازی می کنند.

فعال فرهنگی توس در این مورد می گوید: جای مشخصی در توس وجود ندارد که بتوان گفت قمار بازها در آنجا بازی می کنند. آن ها هر بار جایشان را عوض می کنند. همان طور که دیدید، محافظ هم دارند. بعضی وقت ها در زمین های مشهذقلی بازی می کنند. هر جایی که پادبدهد، مشغول می شوند.

قمار، اعتیادآور است

او در مورد دیدگاه قمار بازها می گوید: دیدگاه ها مختلف است. یک نفر عشقش کفتر بازی است. تک چرخ زدن مقابل مدرسه دخترانه هم، عشق بعضی دیگر است. بعضی ها هم قمار را عاشقانه دوست دارند و به آن اعتیاد پیدا می کنند.

این فعال فرهنگی که متولد همین محله است، ادامه می دهد: اگر وارد قمار شدی، دیگر نمی توانی آن را ترک کنی. افرادی که می بازند، خروج از قمار برایشان سخت تر می شود؛ چون قمار می کنند تا شکست های قبلی را جبران کنند. آن ها بارها بارها بازی می کنند و همین می شود که آلوده قمار می شوند.

از خانه و ماشین تا ناموس

از فعال فرهنگی دیگری می پرسیم قمار بازها معمولاً سر چه چیزهایی شرط می بندند. او در پاسخ می گوید: سر همه چیز، از کوچک ترین

گزارش جیبی



حواشی و بازتاب های یک یادداشت

فرامرزی - پنج سالی می شود که کانون مکتب الحسین (ع) را می شناسم؛ کانونی که هر سال خیمه ای برپا می کند و به هوای همین خیمه کلی نوجوان و جوان در توس پای کار می آیند و دلشان را به خیمه حضرت زهرا (س) گره می زنند. در همین پنج سال در دهه فاطمیه بارها از روند کار ساخت خیمه گزارش تهیه کردیم اما هفته گذشته، اتفاقی افتاد که تعریفش خالی از لطف نیست.

هفته گذشته یکی از فعالان فرهنگی در توس با ما تماس گرفت و بنا را بر این گذاشت که در روزنامه خراسان گزارشی خوانده است که در آن مردم نوده از نامی دخترانشان گلایه کرده بودند. پس از نامه نگاری با آموزش و پرورش، قرار بر این شده بود که مدارس دخترانه، کمی زودتر تعطیل شوند تا با تاریکی و ناامنی مواجه نشوند. او خواست یادداشتی برایمان بنویسد و از فعالان فرهنگی نوده بخواهد که در این حوزه ورود کنند. معتقد بود که باید اولویت بندی محله را همین فعالان فرهنگی رصد کنند.

خلاصه، یادداشت این فعال فرهنگی چاپ شد؛ یادداشتی که در آن توجه به کارآفرینی و امنیت، اولویت نوده دانسته شده بود. از اولین ساعت چاپ گزارش، پیامک پشت پیامک، زنگ پشت زنگ، آن ها و سایر اهالی مهربان نوده از ما خواستند از محضرشان عذرخواهی کنیم، حتی چندتن از اهالی محله به روزنامه آمدند و با مسئولان آن به گفت و گو نشستند؛ البته قول دادند که در نوشتاری اقدامات کانون مکتب الحسین (ع) برای بهبود وضعیت فرهنگی اجتماعی مردم نوده را قلمی کنند و به ما بپسارند تا منتشر کنیم؛ یادداشتی که هر چند هنوز منتظر رسیدن آن هستیم، پیش از ایشان نویسنده یادداشت اولیه، با ما تماس گرفت و تاکید کرد که به جای او از مردم مذهبی و دلسوز نوده عذرخواهی کنیم. او خواست به مردم نوده بگوییم هیچ قصد و نیتی به جز خیر در نوشتن یادداشتش نداشته است. او تاکید کرد که توجه به شعائر مذهبی، همیشه اولویت هر کدام از ما بوده و هست.

از آنجایی که ما فقط منتقل کننده نظر یک فعال فرهنگی بودیم، این پوزش را هم خدمت اهالی محترم نوده به ویژه گردانندگان کانون مکتب الحسین تقدیم می کنیم. ناگفته نماند که شهر آرا به عنوان دیدبانی که سال هاست این کانون را رصد می کند، نخواسته است و نمی تواند تلاش مکتب الحسین را در ایجاد علقه نوجوانان و جوانان به مذهب، نادیده بگیرد.

البته این اتفاق باعث خوشحالی و دلگرمی ما هم شد، زیرا دیدیم که روزنامه شهر آرا هفته نامه شهر آرا محله این قدر در بین محلاتمان جا باز کرده که یادداشتی در ستون یکی از صفحاتش، چنان بازتابی داشته است و شاید همین امر، ما را در انعکاس مسائل و مشکلات و البته خوبی های محلات مختلف، مصمم تر کند و این اقدامات باعث بهبود وضعیت شهرمان شود.

قوانین نانوشته در قمار آن قدر سخت و اجرایی است که کسی نمی تواند بیازد و به عهدش عمل نکند